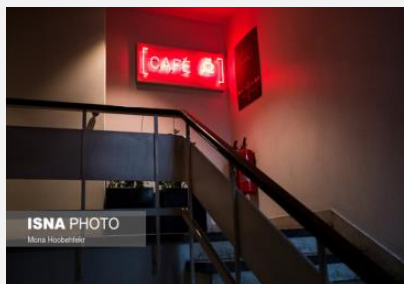


کافه‌هایی که مثل آهن‌ربا، دانشجویان را جذب می‌کنند!

## دانشگاه‌ها چطور میدان را به کافه‌ها واگذار کردند؟

رقابتی زیر پوست شهر جریان دارد که طی آن، دانشگاه‌ها دارند فضای تعامل و گفت‌وگو را به کافه‌ها می‌بازند! بسیاری از دانشجویان این روزها ترجیح می‌دهند....



رقابتی زیر پوست شهر جریان دارد که طی آن، دانشگاه‌ها دارند فضای تعامل و گفت‌وگو را به کافه‌ها می‌بازند! بسیاری از دانشجویان این روزها ترجیح می‌دهند بخش زیادی از روز خود را در کافه‌ها یا فضاهای کاری اشتراکی بگذرانند و در حالی که می‌توانند کارهای درسی خود را پیش ببرند، بدون نگرانی راجع به محدودیت زمان یا تذکر حراست، با همکلاسی‌ها و دوستان خود گفت‌وگو کنند. گویی دانشگاه برای بخش قابل توجهی از دانشجویان، فقط صرفاً به محلی برای برگزاری کلاس‌ها و ارائه دروس تنزل یافته است!

به گزارش ایسنا، به کافه‌های مرکز شهر که سر بزیند، احتمال خیلی زیاد چشمتان به چند مشتری با شکل و شمایل دانشجوی می‌خورد که پشت لب تاپی نشسته‌اند یا روی میزشان کتاب و دفترهایی قرار دارد. دانشجویها یا پژوهشگرانی که کافه‌ها را برای فعالیت‌های علمی به کتابخانه و محیط دانشگاه ترجیح می‌دهند و وقتی که پای صحبت‌هایشان بنشینید، می‌گویند "احساس راحتی بیشتری در اینجا داریم!"

"ایمان"، مدرس دانشگاه و پژوهشگر علوم اجتماعی یکی از این افراد است. او می‌گوید مسیر رفت و آمد به کافه برایش راحت‌تر از کتابخانه دانشگاه است و وقت کمتری هم در ترافیک هدر می‌رود. علاوه بر این، در کافه، غذا و نوشیدنی هم آماده است.

او ادامه می‌دهد: یکی دیگر از برتری‌های مطالعه در کافه نسبت به دانشگاه این است که اگر دوستی، همکلاسی‌ای یا شاگردی بخواهد بیاید، درگیر ورود و خروج نیستم و راحت از او دعوت می‌کنم که در کافه باهم کار کنیم. من کلاً فضای کافه را دوست دارم. دست کم این کافه‌ای که به آن عادت کرده‌ام، موسیقی خوبی دارد؛ خیلی شلوغ هم نیست. با باریستاهاش رفیق شده‌ام و فضای شخصی خود را در آن ساخته‌ام؛ اما در کتابخانه دانشگاه همیشه مهمان هستی! احساس نمی‌کنم فضای کتابخانه برای من است.

از این جامعه شناس شهری می‌پرسیم آیا دانشگاه‌ها پتانسیل این را دارند که یک فضای عمومی غیررسمی فراهم کنند که مقررات سختگیرانه بر آن حاکم نباشد؟ "ایمان" می‌گوید: به نظرم دانشگاه می‌تواند، چون ویژگی‌هایی دارد که باقی‌فضاها ندارند. در دانشگاه ماخذ و منابع مرتبط با رشته تحصیلی فراهم است و حلقه دوستان هم رشته و نزدیکی به دفاتر اساتید هم وجود دارد. به طور کلی جمع زیرساخت‌های آموزشی در یک فضا، آن را نسبت به محیط‌های دیگر در اولویت قرار می‌دهد.

دانشگاه‌ها چطور میدان را به کافه‌ها واگذار کردند؟/کافه‌ها، برنده رقابت جذب دانشجویان

او وجود دو مسئله را در این میان مهم می‌داند و ادامه می‌دهد: رسمی بودن فضا برای پوشش و دیگری رفت و آمد، دو مسئله مهم است. از سوی دیگر این رویکرد جنسیتی حاکم بر فضای دانشگاه هم مسئله‌ساز است، اما غیرقابل حل نیست. به یاد دارم که کتابخانه دانشکده ما مختلط بود، اما یک فضای خصوصی (مخصوص خانم‌ها) هم راه‌اندازی شده بود که اگر برخی خانم‌ها می‌خواستند بدون روسری و مانتو مطالعه کنند، آن فضا را انتخاب کنند. بنابراین امکانش وجود دارد، اما به نظر می‌رسد اراده‌ای از سمت مسئولان فعلی برای حرکت به این سمت دیده نمی‌شود.

یکی از دانشجویان دکترای زبان شناسی دانشگاه اصفهان هم می‌گوید کافه را برای درس خواندن ترجیح می‌دهد. او دلیل این انتخاب را تک‌جنسیتی بودن محیط کتابخانه‌ها عنوان می‌کند و می‌گوید: در کافه می‌توان راحت سیگار کشید؛ قهوه، آماده است و از همه مهم‌تر تک‌جنسیتی نیست و می‌توانیم با دوستانمان سر یک میز، درس یا کتاب بخوانیم.

او اضافه می‌کند: من همیشه جزو کسانی بودم که اصرار داشتم در محیط دانشگاه بمانیم و فضا را پس بگیریم، اما واقعا در کافه‌ها راحت‌تر بودیم.

"زهرا" دانشجوی مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی قبل از این که کرونا شیوع پیدا کند و زمانی که دانشجوی دانشگاه تهران بود، زمان بیشتری را در کتابخانه می‌گذراند، اما الان کافه‌ها را ترجیح می‌دهد و علت این را تمایل به درس خواندن در فضای باز می‌داند. او می‌گوید: اگر قرار باشد با فرد دیگری درس بخوانم، کافه انتخاب اول است. چون اگر وسط درس خواندن

بخواهی با دوستت صحبت کنی، راحت تری. من همیشه به فضای عمومی ای که دانشجویان فنی برای درس خواندن گروهی داشتند، حسادت می کردم.

"مریم" هم دانشجوی تحصیلات تکمیلی دیگری است که برای او هم کافه گزینه بهتری نسبت به کتابخانه است. او که در پژوهشکده علوم شناختی درس می خواند، فضای ایده آلیش برای تحقیق را اینطور توصیف می کند: برای من محیط ایده آل برای درس و پژوهش، محیطی است که جو آکادمیک داشته باشد. عضویت در آن راحت باشد. قوانین دست و پا گیر مثل نبردن کیف و دفتر نداشته باشد. بی دلیل به حجاب تذکر ندهند و احساس آزادی نسبی داشته باشم. علاوه بر این، وسایل رفاهی و خوراکی نیز در دسترس باشد و سکوت حاکم بر محیط هم به گونه ای نباشد که من بخواهم همه تمرکز را صرف این کنم که صدای نفس کشیدنم نیاید.

دانشگاه ها چطور میدان را به کافه ها واگذار کردند؟/کافه ها، برنده رقابت جذب دانشجویان

از او می پرسیم تا الان چه فضایی این ویژگی ها را داشته و "مریم" پاسخ می دهد: تا الان فضای اشتراکی باغ کتاب برایم بهترین محیط بوده، البته شلوغ است و همیشه جا پیدا نمی شود. روزهای پنج شنبه و جمعه هم آنقدر سروصدا زیاد است که عملاً امکان استفاده نیست. اما شرایط در دانشکده مهندسی کامپیوتر دانشگاه شهید بهشتی تا پیش از شیوع کرونا متفاوت بوده است.

"روزبه" نیز که به تازگی از مقطع کارشناسی رشته مهندسی کامپیوتر دانشگاه شهید بهشتی فارغ التحصیل شده است، از محیطی می گوید که برای مطالعه گروهی و انجام پروژه های دانشجویی فراهم شده بود. او می گوید: دانشکده، کتابخانه هم داشت. بنابراین ما از لابی بیشتر برای معاشرت و انجام پروژه های گروهی استفاده می کردیم. بعد از شیوع کرونا و تعطیلی دانشگاه ها، فضایی که در اختیار دانشجویان بود به دو کلاس تبدیل شد. این فضا، تفکیک جنسیتی نبود، البته با دو کاغذ مشخص کرده بودند که کدام فضا برای خواهران و کدام برای برادران است، اما کسی رعایت نمی کرد و دانشکده یا حراست هم کاری به کار دانشجویان نداشت.

او ادامه می دهد: الان ترجیح من این است که برای انجام پروژه و کارهایی مشابه بیرون دور هم جمع شویم تا به کتابخانه برویم. چون برای چنین کارهایی به همفکری و گفت و گو نیاز داریم و در کتابخانه عملاً چنین امکانی وجود ندارد.

رشد روزافزون کافه ها در سطح شهرها و تبدیل شدن آنها به محیطی برای گذران زندگی روزمره و پیشبرد کارهای علمی و فرهنگی موضوعی است که به گفته یکی از مسئولان فرهنگی سابق کشور به شدت نیازمند بررسی و توجه است. او با اشاره به پیشینه تاریخی کافه نشینی می گوید: اساس این که گروهی دور هم بنشینند و خارج از فضای منزل و محل کار صحبت کنند به بعد از کودتای ۲۸ مرداد باز می گردد. به این دلیل که احساس خفقانی در کشور حاکم شده بود که افراد نیاز به گفت و گو را احساس می کردند. برخی معتقدند مفهوم قهوه خانه های ایرانی به شهرهای اروپایی رفته و بعد به صورت کافه ها، مجدداً به ایران بازگشته است. من احساس می کنم رشد اخیر کافه ها به دلیل این که افراد در فضای مجازی نمی توانند رو در رو صحبت کنند و اصلاً توانایی احراز هویت طرف مقابل را ندارند، اوج گرفته است.

این مسئول فرهنگی سابق می افزاید: از سوی دیگر، نیاز به گفت و گو در جامعه مخصوصاً بین جوانان متولد دهه های هفتاد و هشتاد زیاد است. در سال ۱۳۹۷، در فاصله چهارراه ولیعصر، میدان ولیعصر، خیابان ۱۶ آذر، میدان انقلاب و یک خیابان پایین تر یعنی شهدای ژاندارمری حدود ۱۷۴ کافه شناسایی شد. الان حتی برخی از مسئولین نیز تمایل دارند قرارهای کاری خود را در کافه ها بگذارند! احساس می کنند کافه ها فضای بازتری دارد و راحت تر هستند و هنجارهای محیط رسمی را ندارد. در واقع جامعه ما در حوزه فرهنگی دارد از نهادهای غیررسمی متأثر می شود.

او در ادامه این گفت و گو، کافه ها را چنین دسته بندی می کند: بخشی از کافه ها صرفاً کار بیزینس انجام می دهند؛ مانند کاری که سوپرمارکت ها انجام می دهند، یعنی خدمتی ارائه و از آن درآمد کسب می کنند. اما گروهی دیگر از کافه ها در کنار ارائه خدمات معمول، کار فرهنگی می کنند مثلاً جلسات نقد کتاب برگزار می کنند یا شب شعر و موسیقی زنده برگزار می کنند. این کافه ها هم رو به رشد هستند. برخی از کافه ها دارند تبدیل به پاتوق هایی برای گیم و بازی می شوند. باغ کتاب تبدیل به محل رجوعی برای دانشجویان شده است و بسیاری کارهای مطالعاتی خود را آنجا انجام می دهند. این تفکیک جنسیتی ای که در دانشگاه ها و محیط های دیگر وجود دارد، در کافه ها نیست. متأسفانه نظارتی بر این کافه ها هم نیست؛ البته در اینجا، نظارت به معنای خط کشی و ایجاد محدودیت نیست. فضای گفت و گو در کشور به شدت ضعیف شده است و این عامل رشد کافه هاست. ما الان کافه هایی داریم که اتاق های خصوصی دارند. این پدیده، پدیده ای است که نهادهای فرهنگی از آن غفلت کردند.

وی محدودیت های ایجادشده از سوی مسئولان دانشگاه ها را از دلایلی می داند که دانشجویان کافه های بیرون از دانشگاه را به فضای داخل دانشگاه ترجیح می دهند و می گوید: ما باید پاتوق های دانشجویی در فضای بیرون از دانشگاه فراهم کنیم که در آن این سختگیری های حراست در خصوص حجاب و پوشش نباشد. بسیاری از افرادی که به کافه ها مراجعه می کنند، کافه هایی را که در یک سازمان خاص باشد را انتخاب نمی کنند. آنها کافه ای می خواهند که صرفاً کافه باشد به همین دلیل من معتقدم اگر دانشگاه ها در فضای خود کافه ای راه اندازی کنند، دانشجویها از آن استقبال نمی کنند! چون کافه ی دانشگاه با کافه ی میدان ولیعصر تفاوت دارد. این تفاوت به معنای عدول از ارزش ها نیست، اما اگر کافه ای در دانشگاه باشد، دختری اجازه ندارد در آن محیط سیگار بکشد. حتی برخی افراد مطالعات خود را در کافه ها انجام می دهند و نکته جالب این است که محدودیتی برای حضور در کافه ها وجود ندارد. در گذشته و در قهوه خانه ها وقتی غذا به پایان می رسید، قهوه خانه چی از شما می خواست که از قهوه خانه خارج شوید، اما در کافه می توان نامحدود ماند. فرهنگ کافه داری این را الزام می کند که حتی اگر کسی قصد خوردن و آشامیدن نداشت هم بتواند در کافه بماند و کتاب بخواند. این که کافه ها نقش پاتوق فرهنگی دارند باید تحلیل پدیدارشناختی شود؛ باید بررسی شود که چرا افراد در گذشته تمایل داشتند در پارک دور هم جمع شوند، اما الان ترجیح می دهند کافه را انتخاب کنند.

دانشگاه ها چطور میدان را به کافه ها واگذار کردند؟/کافه ها، برنده رقابت جذب دانشجویان

این مقام فرهنگی سابق با اشاره به این که کتابخانه ها هم مخاطبان خود را دارند، بیان می کند: البته ما کتابخانه ملی را هم داریم که شاید همین ساعت، جایی برای نشستن نداشته باشد. مهم نیست که این پدیده را خوب یا بد قلمداد کنیم؛ صرفاً باید آن را ببینیم. ممکن است به مرور کافه هایی ایجاد شود که در آنها فیلم و تئاتر نمایش داده شود. باید این فضای فرهنگی را دید. یک نگاهی در مسئولین ما وجود دارد که طبق آن هر جایی که در آن اختلاط دختر و پسر باشد، مطمئناً فساد می گیرد! کافه ها نشان دادند این طرز فکر درست نیست. ویژگی کافه این است که محیطی باز است؛ یعنی اینطور نیست که از بیرون کافه، داخل آن قابل مشاهده نباشد. یعنی کافه محیطی رمزآلود و رازآلود نیست که بگوییم چون دانشگاه محیطی عمومی است، دانشجوی کافه را به دانشگاه ترجیح می دهد. کافه هم یک محیط عمومی است. امروزه کافه ها دارند کارکرد فرهنگی پیدا می کنند، ولی هیچ جایی برای آنها در سند فرهنگی کشور ما نیست. هیچ متولی ای ندارد، اما رویدادهای فرهنگی در کافه ها برگزار می شود. پاریس هم کافه زیاد دارد، ولی فرهنگ آنها حاکمیتی نیست. هر محصول فرهنگی ای که مشتری داشته باشد، قابل عرضه است؛ اما در ایران شرایط متفاوت است. ما ارزش های فرهنگی ای داریم که باید اعمال شود.

به اعتقاد این مدیر فرهنگی، در حال حاضر مسئولیت فرهنگی دقیقاً بر دوش کافه ها نهاده شده، به این دلیل که کافه ها محدودیت زمانی ندارند و محدودیت فردی برای پوشش و برخوردها و مراودات در آنها وجود ندارد. فرد حس می کند در عین این که در محیطی بسته قرار دارد، آزادی های فردی را هم دارد. احساس می کنم بسیاری از مخالفت های مسئولان ما ناشی از عدم اطلاع است، چون تصور می کنند هر دختر و پسری در یک مکان باشند، فساد شکل می گیرد!

به گزارش ایسنا، چه خوشمان بیاد و چه بدمان بیاید، به نظر می رسد دانشگاه ها دارند بازی را به کافه ها و فضاهایی که آزادی فردی و امکانات بیشتری را برای دانشجویان فراهم می کند، می بازند! شیوع کرونا و بازگشت دانشجویان به شهرهای محل زندگی خود نیز به این وضعیت دامن زده است. شاید ایجاد فضایی تفکیک شده و اختصاصی که البته غیررسمی تر از کتابخانه ها و بدون قوانین سختگیرانه، در آن امکان گفت و گو و تعامل با یکدیگر برای دانشجویان فراهم باشد، بتواند نقش دانشگاه را به مکانی فراتر از محل ارائه درس ارتقا دهد.

نیاید فراموش کرد و از خاطر برد که بسیاری از چالش های امروز کشور در حوزه فرهنگی در سال های گذشته و در زیر پوست شهر در حال شکل گیری بودند و به دلیل کوتاهی و غفلت مدیران وقت؛ هم اکنون جامعه ما را با تهدیدات مختلفی روبرو کرده است که متأسفانه برای برخی از آنها نیز دیگر درمانی هم وجود ندارد! پس باید از هم اکنون برای مشکلاتی که در این گزارش نیز به آن اشاره شد راه حل هایی منطقی و درست تدوین کرد و به دور از هیجانات سیاسی و جناحی به دنبال مدیریت و کنترل درست فضای فعلی بود.